



خرافه در دوره قاجار؛ از ناخن هدهد تا مالیدن روغن گرگ به لباس

خرافه و خرافه پرستی در دوره قاجار، برخلاف ادوار گذشته که از علمی چون نجوم، طالع بینی و اخترشناسی نشأت گرفته بود، با بهره جستن از برخی اصول و مبانی دینی و اسلامی راه نفوذ به مذهب و اذهان ایرانیان مسلمان یافته بود.

خبرگزاری مهر - خرافه و خرافه پرستی در دوره قاجار، برخلاف ادوار گذشته که از علمی چون نجوم، طالع بینی و اخترشناسی نشأت گرفته بود، با بهره جستن از برخی اصول و مبانی دینی و اسلامی راه نفوذ به مذهب و اذهان ایرانیان مسلمان یافته بود.

در دوره قاجار، عبور زنان از زیر شکم فیل به منظور رفع نازایی که گاهی صحنه هایی مضحک را به همراه داشت، (ر.ک: حاجی بابای اصفهانی، ص 58) و یا مالیدن روغن گرگ به لباس زن برای دلسرد کردن شوهرش از او، خوراندن زهره گرگ به زن برای رفع نازایی و استفاده از ناخن هدهد برای زمان بندی و چشم خفاش برای خواب بندی، جگر میمون اکسیر محبت و ... (ر.ک: قبله عالم، ص 47) کارهایی بود که از سوی زنان در این دوره انجام می شد. این نفهمی و القای خرافات و جادو و جنبل دامن زنان دربار را نیز گرفته بود، به طوری که در سبب ناپدید شدن و یا مرگ فرزندان ناصرالدین شاه نقش مؤثری داشت. (ر.ک: سفرنامه یوشید اماساهارو، ص 2111)

استخاره و متوسل شدن به آن در انجام دادن کارها در میان ایرانیان، به خصوص در دوره قاجاریه، بسیار رواج یافته بود. چنانچه قبلا نیز اشاره شد، استخاره را نمی توان از جمله عقاید خرافی برشمرد؛ اما به سبب استفاده نادرست و نابجا از آن، در برخی مواقع، عقاید و رفتارهای خرافی بدان رسوخ پیدا کرد و آنرا از کارکردهای مذهبی اش دور ساخت. استخاره و توسل به کتاب آسمانی، نه تنها بین مسلمانان بلکه بین اغلب ملل مرسوم و متداول بوده و هست. عیسوی ها از کتاب انجیل، کلمی ها از تورات چاره جویی می کردند، اما ایرانیان در دوره قاجار به سبب آنکه چندان به مشورت مقید نبودند برای انجام کارهای خود بیشتر به استخاره متوسل شدند. (ر.ک: همان، ص 593)

استخاره در ایران به شیوه های مختلف انجام می شد، به وسیله قرآن، تسبیح، نوشتن نیت بر کاغذ و قرار دادن آن در پاکت و قرار دادن در میان صفحات قرآن و غیره؛ اما آنچه مهم است کارهایی است که برای انجامشان به استخاره متوسل می شدند؛ به عنوان مثال به نیت انتخاب مناسب ترین طبیب از بین چند نفر، (ر.ک: روزنامه اعتماد السلطنة، ص 546-547) انتخاب یک روش درمانی چون زالو انداختن بر لثه که از سوی فخرالاطبا صورت می گرفت که آیا زالو را به لثه دندان شاه بیندازند یا خیر؟ (ر.ک: ایران دیروز، ص 8-9) دارو دادن به مریض که گاه به سبب تعدد در داروها استخاره در چند مرحله انجام می شد که آیا این دارو به مریض خوراندن شود یا خیر؟

در این خصوص حکایتی نقل شده است که میرزا جعفر، نبض مریض را گرفته، مدتی فکر کرد و بعد از مدتی تسبیح بلندی داشت و چشمش را بر هم گذاشت، استخاره ای کرد و با آواز بلند گفت: خدایا صلاح می بینی فلوس به این بنده خدا بدهم؟ اگر خوب می آمد با ترازو فلوس را می کشید، می داد و پولش را می گرفت. اگر برای فلوس خوب نمی آمد، مجدداً استخاره می کرد و گفت: اگر ترنجبین بدهم، چطور است؟ باز آن هم اگر خوب نمی آمد، استخاره ای دیگر می کرد و عتاب را جویا می شد و بالاخره استخاره خوب می آمد. (ر.ک: قائم مقام فراهانی و امیرکبر، ص 13)

افکار و عقاید خرافی در میان شاهان و درباریان سلسله قاجاریه نیز بسیار رواج داشت، گویند: خرافه پرستی فتحعلی شاه مانع از درک صحیح او از شرایط حساس کشور می شد. (ر.ک: مشروطه سازان، ص 90-92) مظفرالدین شاه مردی موهوم پرست و خرافاتی بود که بی تدبیری و ضعیف النفس بودنش از مهمترین دلایلی بود که وی را آلت دست درباریان ساخت و او را با مشکلات بزرگی مواجه کرد. (ر.ک: تهران دارالخلافه در یکصد سال پس، ص 53)

خرافه و خرافه پرستی در دوره قاجار، برخلاف ادوار گذشته که از علمی چون نجوم، طالع بینی و اخترشناسی نشأت گرفته بود، این بار با بهره جستن از برخی اصول و مبانی دینی و اسلامی راه نفوذ به مذهب و اذهان ایرانیان مسلمان را یافته بود. در این مسیر، برخی روحانیون نماها، به جای آنکه اذهان مردم را به پیروی از عقل و منطق و دین و شریعت رهنمون سازند، توده بی دانش را که ذهنشان طی قرون متمادی پرورش یافته تعصبات پوچ و افکار و عقاید خرافی شده بود، به آسانی به هیجان می آوردند.

توده چون عقلشان زایل می شد، شور و هیجان واهی بر شخصیت و روانشان غلبه می کرد و این امر، آنها را برای هر عملی آماده می ساخت. افرادی که با ادعاهای دروغین باب و فرقه بابیه بر اثر تبلیغات به آنها گرویدند، در زمره همان مردمی بودند که در همان زمان به وی متوسل شدند.(ر.ک: قائم مقام فراهانی و امیرکبیر، ص 155-156) هر چند سیدعلی محمد باب اعدام شد و تا اندازه ای از انتشار عقاید وی جلوگیری به عمل آمد، اما فتنه بابیه کمک فراوانی به نقشه های پنهان روس و انگلیس در جهت تضعیف موفقیت آمیز و اشاعه خرافه پرستی در ایران نمود.(ر.ک: فتحعلی شاه قاجار، سقوط در کام استعمارریال ص 213-215)

در دوره قاجار، عقاید خرافی راه یافته به مقولاتی چون دعانویسی، سعد و نحسی ایام و استخاره آنها را از کارکرد و ماهیت دینی شان دور ساخت و بدانها رنگ و بوی خرافی بخشید و این مقولات را از مسیر اصلی به انحراف کشیده شد؛ به طوری که امروزه پس از گذشت بیش از صد سال، جامعه اسلامی را درگیر خود ساخته است.*

*منبع: ره افسانه (گفتارهای دین شناختی درباره خرافات، به کوشش سید محمدعلی ایازی و حسن پویا، جلد اول، مؤسسه چاپ و نشر عروج، 1390)